

عنوان پادکست: در طلب خداوند

در طلب خداوند – قدوسیت (بخش ۴)

دور از گناه

نازی: وقتی صحبت از یک رفتار گناه آلود می‌شود، تا چه حد، آن رفتار برای ما بی‌خطر و بی‌ضرر است؟ در برنامه امروز خواهیم دید که این سؤال، اصلاً سؤال اشتباهی است.

سابرینا: بسیاری از ما زنان ایماندار متأسفانه بر بعضی از مواردی که کلام خدا از ما می‌خواهد تا آنها را جدی تلقی کنیم، برچسب تندرو و یا زیاده روی می‌زنیم و از جنگیدن با گناه و موقعیت وسوسه اصلاً خوشمان نمی‌آید. در حالی که گناه باید برای هر ایمانداري موضوعی جدی تلقی شود، تا جنگ با آن هم جدی تلقی شود.

نازی: شنوندگان عزیز، امروز با برنامه‌ای دیگر از پادکست **دل‌هایمان احیاء کن** با صدای سابرینا اصلاصن در خدمت شما همراهان عزیزان هستیم.

همه ما با وسوسه‌هایی امروز برخورد خواهیم کرد. متأسفانه هیچوقت نمی‌توان وجود وسوسه را نفی کرد. ولی راههای عملی‌ای هست که بتوان بوسیله آنها به وسوسه جواب منفی داد تا آن وسوسه تبدیل به گناه نشود. همانطور که می‌دانید، وقتی ما به وسوسه پاسخ مثبت می‌دهیم، آن وسوسه تبدیل به گناه می‌شود و مقدس زندگی کردن یعنی پاسخ منفی دادن به وسوسه‌ها. در برنامه امروز ما با راههای عملی‌ای که ما را کمک می‌کند تا به وسوسه‌ها پاسخ منفی دهیم آشنا خواهیم شد.

سابرینا: در چند برنامه اخیر، ما درباره اهمیت موضوع مقدس زیستن و فرآیند یا پروسه تقدیس صحبت کردیم. و دیدیم که کُشتن نفس یا انکار نفس، بخش مهمی از این پروسه یا فرآیند بشمار می‌رود. کُشتن (انکار) نفس یعنی گذاشتن تمایلات و خواسته‌های جسمانی در موقعیت مرده. کُشتن نفس چیزی بس بالاتر از خلاص شدن از چیزهای گناه آلود است. کُشتن نفس شامل کنار گذاشتن یا گریز ارادی از موقعیتهایی است که بر زندگی ما نفوذ گناه آلود بر جا می‌گذارند ... موقعیتهایی که بخودی خود ممکن است گناه آلود نباشند، ولی عملاً باعث فعال سازی و رشد خواسته‌ها، افکار و رفتاری در ما می‌شوند که ما را به گناه کردن وا می‌دارند. کُشتن نفس یعنی به

حداقل رساندن موقعیت وسوسه انگیزی که باعث گناه ما می‌شود. کشتن نفس یعنی قطع کردن و حذف کردن هر فرصت ممکنه‌ای که ما را به گناه بکشاند.

برای درک این موضوع برای شما مثالی می‌زنم. فرض کنید که من قرار است رژیم غذایی جدی‌ای را دنبال کنم. قطعاً اگر آشپزخانه من پر از مواد غذایی‌ای باشد که برای من قدغن شده‌اند، احتمال اینکه رژیم غذایی خودم را بشکنم، بیشتر است. فرضاً اگر من در خانه چیپس و شکلات داشته باشم، امکان اینکه برای خوردن آن وسوسه شوم و رژیم خودم را بشکنم خیلی بیشتر از زمانی است که از ورود آنها به خانه و در دسترس بودن آنها جلوگیری کنم، و آنها اصلاً در خانه نباشند.

پولس رسول هم درباره این موضوع در رومیان ۱۳: ۱۴ صحبت می‌کند. او در این آیه می‌گوید: «عیسای مسیح خداوند را بپوشید و برای شهوات جسمانی تدارک نبینید.»

امروز می‌خواهم بر عبارت «برای شهوات جسمانی تدارک نبینید» کمی فکر کنیم.

متأسفانه یکی از مسائل بسیار حادّی که امروزه در میان ایمانداران وجود دارد، موضوع شهوت و گناهان جنسی است. که این فقط موضوع رایج بین مردان نیست، بلکه امروزه یکی از معضلات بین زنان هم هست. زنان بسیاری امروزه در روابط غیراخلاقی درگیر می‌شوند. و این همیشه از انتخاب‌های کوچک و اولیه غلط شروع می‌شود. از سبک تفریحات، کتابها، مجلات، نوع موسیقی و فیلمهایی که تماشا می‌شود و تا نوع استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی - فرهنگی بر این موضوع تأثیر دارند. متأسفانه ما امروزه در دنیایی زندگی می‌کنیم که سبک زندگی گناه آلود در همه ابعاد، بی پرده به مردم معرفی و منتقل می‌شود. و وقتی ما به عنوان ایمانداران به مسیح، حدّی برای زندگی مقدس قائل نیستیم، بدون هشیاری و حکمت خود را در معرض نفوذ اینچنین سبک زندگی قرار می‌دهیم.

متأسفانه این فقط برای بزرگسالان نیست. یکی از دوستان می‌گفت که حتی بچه‌هایش خودشان را همیشه در اقلیت می‌بینند. [آنها] وقتی رفتارهای گناه آلود و ضد کتاب مقدسی معمول را انجام نمی‌دهند، دیگران آنها را مسخره می‌کنند و آنها را آدم‌هایی که مشکل روانی دارند، می‌شمارند.

این مادر خود را در موقعیتی دشوار می‌دید که از یک سو می‌خواست بچه‌هایش مقدس زندگی کنند و از طرف دیگر از فشار اجتماع و دوستانشان بر فرزندان‌شان واقعاً رنج می‌کشید. ولی نصیحت من به او این بود که تحمل کن و دلسرد نشو، و با فیض و محبت و حکمت و تمییز نه فقط از قدوسیت خودت محافظت کن، بلکه از قلب و زندگی فرزندان‌ت هم نگرهبانی کن. و بالاخره بر اساس امثال ۳۱: ۲۸ زمانی فرا می‌رسد که همین بچه‌ها برخاسته ترا مبارک خواهند خواند.

حالا برگردیم به موضوع مورد صحبت‌مان:

نکته بسیار مهمی که لازم است همه ما به یاد داشته باشیم این است که هیچیک از ما نسبت به گناه، مخصوصاً گناهان جنسی نباید خود را مصون حساب کنیم. ما زنان ممکن است بصورت فیزیکی درگیر گناهان جنسی و یا زناکاری نشویم، ولی اگر مراقب نباشیم هر یک از ما این تمایل را داریم که با احساسات و فکرمات مرتکب زنا شویم.

بله، این خیلی مهم است که همیشه بیاد داشته باشیم که روحانی ترین ما هیچگاه نسبت به هیچ گناهی مصون نیست. برای همین کلام خدا همه ما را تشویق می‌کند که خود را از هر موقعیتی که ممکن است در ما خواسته‌های غیر مقدسی را پرورش دهد، دور کنیم. به همین دلیل، عزیزان من و شماهایی که ایماندار به مسیح هستید باید از هر چیزی که ممکن است غیر اخلاقیات و زندگی غیر مقدس را برای ما نرمال، طبیعی و بی ضرر جلوه دهد، باید اجتناب کنیم.

و مخصوصاً در رابطه با چیزهای غیراخلاقی این اجتناب باید شدیدتر باشد، چرا که هیچیک از ما از گناهان غیراخلاقی چه بصورت احساسی، فکری و یا فیزیکی مصون نیستیم.

ممکن است که قبلاً هم در طول برنامه‌های **دل‌هایمان احیا کن** شنیده باشید، که من اصرار می‌کنم که به عنوان یک زن، چه مجرد و چه متأهل هیچگاه با یک مرد متأهل به تنهایی در پشت درهای بسته وقت نگذرانید ... به هر دلیلی که ممکن است باشد، حتی اگر یک جلسه شغلی باشد. شاید شما بگویید این دیگر خیلی زیاده روی است. ولی از آنجایی که ازدواج شما برای من مهم است، این نصیحت را به شما می‌دهم. دلیل مطرح کردن این موضوع توهین کردن به هیچکس نیست، بلکه موضوع اصلی که من و شما باید دائماً آن را بخاطر آوریم این است که هیچکس نباید خود را نسبت به گناه مصون فرض کند.

و به این دلیل با این پیش فرض، لازم است که ما به عنوان زن ایماندار به مسیح برای خود و دیگران محدودیت‌های محافظت کننده‌ای ایجاد کنیم. بطور نمونه در مشاوره‌های مسیحی، معمولاً به ما زنان ایماندار به مسیح توصیه می‌شود که هیچگاه با مردی متأهل نامه و ایمیل‌های شخصی رد و بدل نکنید، مگر آنکه همسر آنها و همسر خود را نیز کپی کرده باشید.

این بدان معنی است که اگر دوستی‌ای در این بین پیش می‌آید، همسران نیز در این رابطه درگیر باشند. ولی این یکی از آن محدودیت‌های محافظت کننده‌ای است که از ازدواج هر دو طرف محافظت می‌کند. باور کنید بر اساس نامه‌هایی که ما از زنان دریافت می‌کنیم، این توصیه‌ها زیاده روی نیست، بلکه برکت و محافظت است. محافظت از مواردی که دشمن ما ابلیس بدنبال آن موقعیتها می‌گردد تا افراد، زندگی‌ها و ازدواج‌هایشان را ببلعد.

ممکن است در دنیای امروز، اینگونه محدودیت‌های محافظت کننده، امل، غیرطبیعی و یا غیرمنطقی بنظر برسند. ولی من و شما باید بیاد داشته باشیم که اگر ایماندار به مسیح هستیم، پس با سایر افراد فرق داریم. و دیدگاه ما نسبت به جدیت گناه و اهمیتی که خدا به قدوسیت ما می‌دهد باید متفاوت با سایر مردم دنیا باشد. ما مقدسین خداوند خوانده شده‌ایم و باید نسبت به اجتناب از موقعیت‌های گناه آلود جدی باشیم.

بسیاری از ما زنان ایماندار متأسفانه بر بعضی از مواردی که کلام خدا از ما می‌خواهد تا آنها را جدی تلقی کنیم، برچسب تندرو و یا زیاده روی می‌زنیم و از جنگیدن با گناه و موقعیت وسوسه اصلاً خوشمان نمی‌آید. در حالی که گناه باید برای هر ایماندار موضوعی جدی تلقی شود، تا جنگ با آن هم جدی تلقی شود.

مسیح موضوع گناه را آنقدر جدی تلقی می‌کرد که گفت: «اگر دست راست تو را می‌لغزاند، آن را قطع کن و دور افکن، زیرا تو را بهتر آن است که عضوی از اعضایت نابود گردد تا آنکه تمام بدنت به دوزخ افکنده شود.» و قطعاً منظور مسیح از این آیه این است که هر موقعیتی که حتی امکان آن برای به گناه انداختن تو کم باشد، آن را از خودت دور کن.

و من و شما خواننده شده‌ایم که بر اساس آنچه پولس در رومیان ۱۳: ۱۴ می‌گوید، برای جسم و امیال آن تدارک نبینیم.

ممکن است برخی قسمت‌هایی که شما لازم است بر آنها کار کنید و برای آنها تدارک نبینید، با قسمت‌هایی که من درگیر آنها هستم، متفاوت باشند. بطور مثال ممکن است برای بعضی از ما زیاده روی در خوردن که اصطلاح کتاب مقدسی آن پرُخوری است، موردی باشد که باید بر آن کار کنیم و برای آن تدارک نبینیم. پس اگر درگیر این موضوع هستیم، باید در این قسمت با نفس و امیال آن مبارزه کنیم. و هر موقعیتی را که آن را آبیاری می‌کند به حداقل برسانیم و کاهش بدهیم.

قطعاً، خود خوردن گناه نیست، ولی مسلماً پرُخوری گناه محسوب می‌شود. گاهی مشکل ما آنقدر حاد است و آن گناه خاص آنقدر در زندگی ما دوباره و دوباره تکرار می‌شود که شاید بهتر باشد از کسی بخواهیم تا بر ما نظارت کند و ما خود را به او پاسخگو بدانیم. و یا محیط اطراف را از غذاهای وسوسه انگیز بدور نگه داریم. به هر حال باید سعی کنیم که برای آن وسوسه تدارک نبینیم.

ممکن است پرُخوری مشکلی باشد که من درگیر آن هستم، ولی شما درگیر آن نباشید. ولی در عوض شاید مستی گناهی است که شما با آن دست و پنجه نرم می‌کنید و خود را نسبت به آن آسیب پذیر می‌بینید، در حالی که این مورد ممکن است برای من موردی وسوسه انگیز محسوب نشود. پس اگر مستی گناهی است که شما درگیر آن هستید، باید هدفمندانه برای مستی تدارک نبینید. بطور مثال از معاشرت و یا دوستی کردن با افرادی که علاقه به نوشیدن مشروبات الکلی دارند، بصورتی مصمم دوری کنید. یا مثلاً خانه را از وجود مشروبات الکلی خالی کنید و با خودتان عهد ببندید که حتی یک استکان کوچک مشروب الکلی به لب نزنید.

قطعاً، خود نوشیدن مشروب الکلی گناه نیست، ولی اگر همان یک استکان کوچک شما را به گناه مستی می‌کشاند، آن را هدفمندانه از خودتان دور کنید، و برای شهوت جسم و امیال نفس خود تدارک نبینید.

و این موضوع تدارک ندیدن و دور کردن موقعیت وسوسه، چیزی است بسیار جدی که در پروسه یا فرآیند زندگی مقدس زیستن ما نقش حیاتی دارد.

اگر شما کسی هستید که در استفاده از وقت خودتان در مقابل شبکه‌های اجتماعی و یا اینترنت کنترل ندارید، دوباره باید از هر چیزی که برای این میل شما تدارک می‌بیند، اجتناب کنید.

اگر به عنوان یک زن مجرد در حال آشنایی با مردی هستید، و خودتان را در وسوسه داشتن رابطه جنسی قبل از ازدواج می‌بینید، پس برای این موضوع تدارک نبینید. یعنی هر وضعیتی که موقعیت را برای داشتن روابط نزدیکتر تدارک می‌بیند با هدفمندی و بخاطر اطاعت از کلام خدا از خودتان دور کنید. مثلاً بطور مثال شاید بهتر باشد که در موقعیت‌های تنها و خصوصی با آن فرد خود را قرار ندهید.

دوباره تکرار می‌کنم که ممکن است موضوعاتی که ما امروز در این برنامه مطرح می‌کنیم، در نظر بسیاری قدیمی، امل مآبانه و خشکه مذهبی بحساب آیند. ولی اگر واقعاً برای من و شما مقدس زیستن برای مسیح اهمیت داشته باشد، چنانکه برای او اهمیت دارد، این توصیه‌ها را به عنوان حفاظی برای زندگی مسیحی خود بکار خواهیم گرفت.

بیاد دارم که زنی ایماندار تعریف می‌کرد که بخاطر مشکلات زناشویی که با شوهر خود داشت خیلی از لحاظ احساسی و عاطفی خود را مجروح و نیازمند به عشق و محبت و توجه می‌دید. روزی او در حالی که دختر خود را به دکتر برده بود، احساس می‌کرد که چقدر جذب رفتار پر از احترام دکتر قرار گرفته، و پس از چند جلسه می‌توانست کاملاً در خود تمایلی عاطفی نسبت به این مرد احساس کند. ولی او به عنوان یک زن مسیحی، تصمیم گرفت که بخاطر مقدس زیستن در حضور مسیح، از هر موقعیتی که برای نفس او تدارک می‌دید تا گناه کند، دوری کند، و به همین دلیل دختر خود را عوض کرد و دیگر پیش او نرفت. چرا؟ چون او نمی‌خواست که برای گناه تدارک ببیند. چرا؟ چون او می‌دانست که هیچیک از ما نسبت به گناه نباید خود را مصون حساب کنیم.

بله، برای جنگ با گناه، من و شما باید مصمم و هدفمند باشیم و این جنگ را جدی تلقی کنیم. چون مقدس زیستن موضوعی است جدی ... چون برای خدا جدی است.

اگر دوباره به آیه‌ای که مسیح در متی ۵ : ۳۰ بیان نمود، مراجعه کنیم بیشتر به جدیت این موضوع پی خواهیم برد. مسیح در این آیه گفت: «اگر دست راستت تو را می‌لغزاند، آن را قطع کن و دور افکن زیرا تو را بهتر آن است که عضوی از اعضایت نابود گردد تا آنکه تمام بدنت در دوزخ افکنده شود.»

مسیح در واقع در این آیه می‌خواهد به ما بگوید که برای اجتناب از گناه هر قدم لازم را بردار، حتی اگر آن قدم، قدمی تندرویانه و یا زیاده روی بنظر برسد ... چون گناه مسئله‌ای است جدی که باید جدی هم تلقی شود.

مبارزه با نفس، ممکن است اوایل کاری بسیار دشوار و ناخوش آیند بنظر آید. گاهی اوقات دل‌کندن از گناه کاری بسیار دشوار است، چون ما از آن لذت می‌بریم و فکر می‌کنیم که اگر آن را ترک کنیم، بدبخت می‌شویم. اما حقیقت این است که آن تمایلات نفسانی و اعمال گناه آلودی که ما از آنها دل نمی‌کنیم، در واقع ما را از زندگی

لذتبخشی که برای آن آفریده شده‌ایم باز می‌دارند. و در نهایت همان تمایلات گناه آلود هستند که ما را به اسارت و بدبختی می‌کشانند.

آیا شما در رابطه با موضع خاصی برای تمایلات نفسانی خود تدارک می‌بینید؟ آیا اعمال یا تمایلاتی در زندگی شما وجود دارد که اشتباهی شما را برای گناه بیشتر می‌کند؟ آیا شما نسبت به وجود وسوسه‌هایی خاص در زندگیتان آگاهی دارید که شما را به گناه می‌کشانند؟ آیا شما در حال حاضر وسوسه می‌شوید که از مقاومت خود نسبت به گناه دست بردارید و گناه کنید؟ آیا چیزی در زندگی شما هست که حساسیت روحانی شما را محو می‌کند و عشق و محبت شما را نسبت به خدا کم‌رنگ می‌کند؟ آیا موردی در زندگی شما هست که تمایل شما را نسبت به قدوسیت خدشه‌دار می‌کند؟ این موارد ممکن است چیزهای ساده و بنظر پیش پا افتاده‌ای از قبیل روش‌های تفریح، ما، مطالب مورد مطالعه، سرگرمی‌ها، بعضی مکانها، افراد مورد معاشرت و دوستان ما، اشیایی خاص در خانه ما، اموال ما و یا بعضی از روابط ما باشند.

آیا من و شما باید تغییرانی در زندگی خود ایجاد کنیم تا برای تمایلات گناه آلود و نفسانی تدارک نبینیم. آیا رابطه‌ای هست که باید قطع شود؟ آیا چیزی هست که باید از زندگی ما بیرون رود؟ قطعاً برخی از این تصمیمات، تصمیمات دشواری خواهند بود.

کلام خدا در غلاطیان ۵: ۲۴ می‌گوید: «آنان که به مسیح عیسی تعلق دارند، نفس را با همه هوسها و تمایلاتش بر صلیب کشیده‌اند.» و این دعوت خدا از ماست که نه تنها سفره‌ای برای تمایلات نفسانی و گناه تدارک نبینیم بلکه نفس را هر روزه با همه هوسها و تمایلاتش بر صلیب بکشیم.

خانواده‌ای را می‌شناسم که چندی پیش در صدد فروختن خانه شان بودند ولی بیشتر از یک سال بود که این خانه در بازار بود و کسی آن را نخریده بود. بنابراین از طرف بنگاه معاملاتی هر از گاهی مشتریانی به این خانه آورده می‌شدند تا آن را ببینند. این خانواده چندین فرزند داشتند و عموماً خانواده پر مشغله، شلوغ، و پر از ریخت و پاشی بودند. گاهی روزها و هفته‌ها از بنگاه معاملاتی خبری نمی‌شد ولی گاهی هم بصورت ناگهانی به آنها زنگ می‌زدند که مشتری‌ای پیدا شده و تا نیم ساعت دیگر می‌خواهند بیایند و خانه را ببینند. مادر این خانواده نمی‌دانست که چطور خانه را در عرض نیم ساعت مرتب کند. این موضوع باعث شده بود که او خلاقیت‌هایی از خود نشان دهد. آنها در عرض کمتر از نیم ساعت ظروف کثیف را به صندوق عقب ماشین منتقل می‌کردند و همه لباسهای کثیف را هم به ماشین لباس شویی و خشک‌کن وارد می‌کردند و بعد خانه بصورتی مناسب آماده دیدن مشتریان می‌شد.

اگر همین الان زنگ خانه شما به صدا در آید و میهمانی از راه برسد که قرار باشد مدتی در خانه شما بماند، آیا شما خجالت زده خواهید شد؟ شاید خیلی قسمت‌ها احتیاج به یک خانه تکانی یا نظافت اساسی دارند ... قسمت‌هایی که شما آرزو می‌کنید از زیر نظر میهمان‌تان بگذرد.

ولی زندگی مسیحی ما کمتر از خانه‌های فیزیکی ما نیست. زندگی مسیحی ما طوری باید باشد که اگر شخصی از خارج هر آن به آن نگاه کند، مایه خجالت ما نشود. سرسپردگی نسبت به مقدس زندگی کردن یعنی اینکه ما به خاطر مسیح زندگی مقدسی را تعاقب می‌کنیم. زندگی‌ای که اگر دیگران به بخش‌های خصوصی و پنهان آن راه یابند، صاحب آن خجالت زده و شرمگین نمی‌شود.

متأسفانه اغلب ایمانداران راه ظاهرسازی و پنهان کردن سریع چیزهای نامناسب را می‌دانند. مثلاً وقتی به عنوان یک خانواده به کلیسا می‌رویم، اکثر ما می‌دانیم چطور همه چیز را روحانی و با ظاهری مناسب جلوه دهیم. می‌دانیم که چطور عمل کنیم که همه چیز خوب به نظر آید. و می‌خواهیم اثر خوبی از خودمان بر جای بگذاریم. ولی اگر مردم به درون چهاردیواری خانه ما وارد شوند، چه خواهند دید؟ اگر وارد کشوها و کمدهای زندگی ما شوند، چه خواهند دید؟

فصل پنجم کتاب غلاطیان، فهرستی از گناهان را به ما ارائه می‌دهد. گناهان جسمی و گناهان روحانی. جالب است که در این فهرست گناهی که در ظاهر دیده می‌شوند، و گناهان نادیدنی قلبی مربوط به درون ما، همگی در یک فهرست مشترک قرار داده شده‌اند. بطور نمونه بیائید به آیه پنجم غلاطیان ۵: ۱۹ مراجعه کنیم.

این آیه می‌گوید: «اعمال نفس روشن است، بی‌عفتی، ناپاکی، و هرزگی» که اگر توجه کنید هر سه اینها یعنی بی‌عفتی، ناپاکی و هرزگی اشاره به گناهان جنسی می‌کند. و بعد گناهان پراهمیت دیگری از قبیل بت پرستی، جادوگری مطرح می‌شوند. ولی درست پس از اینها گناهی دیگر که به نظر ما بی‌اهمیت هستند هم درست در این فهرست قرار می‌گیرند: «دشمنی، ستیزه جویی، رشک، خشم، جاه طلبی، نفاق، دسته بندی، حسد، مستی، عیاشی و مانند اینها» (آیات ۱۹-۲۱).

خدا در این لیست تمایزی بین بی‌عفتی و مثلاً خشم قرار نمی‌دهد. او به همه اینها به یک چشم نگاه می‌کند. یعنی اگر شما مشکل خشم و یا حسد داشته باشید، با مشکل بی‌عفتی و ناپاکی ... برای خدا در یک دریف قرار دارند. بنابراین گناهی که بیشتر در قلب و روان و انگیزه‌های ما صورت می‌گیرند مثل رشک، خشم، و حسد با گناهی که بر جسم ما انجام می‌شوند، مثل زناکاری در یک جرگه قرار گرفته‌اند. در واقع خدا می‌خواهد به ما بگوید که حتی اگر همه چیز از قلب ما نشأت نمی‌گیرد، او بین خشمی که منتهی به اعمال خشونت بار می‌شود و خشمی که در قلب ما بصورت پنهان باقی می‌ماند و موجب تلخی نسبت به دیگران می‌شود، فرقی قائل نمی‌شود. شاید من و شما هیچگاه دچار مستی و یا اعتیاد به مواد مخدر نشویم، ولی درگیر اعتیادهای دیگری باشیم، اعتیادهایی از قبیل پرخوری، خرید لباس و لوازم بصورتی بی‌رویه، و یا خیلی موارد دیگری که ما اسم آنها را گناهان کبیره نمی‌گذاریم.

و پیغام خدا برای من و شما این است که برای شهوات جسمانی خود تدارک نبینیم. و اگر موقعیتی هست که می‌دانیم ما را به گناه می‌اندازد، چه گناهان بزرگ ظاهری و چه گناهان نهان، از آن موقعیت با جدیت و هدفمندی دوری بورزیم.

نازی: گناه برای خدا موضوعی است جدی. و برای ما هم اگر فرزندان او هستیم بایستی موضوعی جدی تلقی شود. پس برای آن بصورت جدی و مصمم تدارک بینیم. همه ما نیاز داریم که به خود یادآوری کنیم که مقدس زیستن چیزی است که از قلب ما شروع می‌شود. وقتی با ریشه گناهان خود برخورد می‌کنیم، صادقانه در طلب یک زندگی مقدس قدم برمی‌داریم، بیداری روحانی زندگی ما را فرو می‌گیرد و زندگی ما پیغام دعوتی برای مقدس زندگی کردن دیگران می‌شود.

از شما دعوت می‌کنیم که برای تجربه این نوع بیداری، کتاب **در طلب خداوند** را تهیه کنید و آن را مورد مطالعه قرار بدهید. برنامه امروز را با دعا خاتمه می‌دهیم.

سابرینا: "ای پدر از تو می‌طلبم که هر یک از ما را کمک کنی تا موضوع مقدس زیستن و کشتن نفس (انکار نفس) و امیال آن را جدی بگیریم. حالا که می‌خواهیم مقدس زندگی کنیم، به ما حکمت و تشخیص لازم را عطا کن تا بفهمیم که در چه زمینه‌هایی برای امیال نفسانی خودمان تدارک می‌بینیم. به ما این شجاعت را بده که این تدارکات را از زندگی خودمان بیرون کنیم. ببخش که مقدس زیستن را دوست داشته باشیم، برایش اهمیت قائل شویم ... و همانطور که مسیح گفت اگر لازم است برای آن قیمت (بهائی) پرداخت کنیم. در نام مسیح آمین."

آنچه در این برنامه‌ها خدمت شما شنوندگان گرامی ارائه می‌شود، تعالیم نانسی دیماس و لگموت، با صدای فارسی سابرینا اصلان است که به سمع شما می‌رسد. ترجمه و تهیه این برنامه‌ها حاصل همکاری دو مؤسسه **«دل‌هایمان احیا کن»** و **«راستی»** می‌باشد.